




دکتر منوچهر خزانسی

بررسی نظری و عملی تسریع
آیین رسیدگی کیفری



مقدمه

افزایش بزهکاری، به ویژه جرائم علیه حیات بشر چون جنایات وحشتناک تروریستی یا جرائم علیه اموال نظیر کلاهبرداری در داخل کشورها و یا در سطح بین‌المللی و دهها جرایم دیگر خواه آن دسته که سابقه تاریخی دارند (مثل قتل و سرقت) یا آنهایی که پدیده‌ای نو در جامعه امروزی محسوب می‌شود مثل جرایم علیه محیط زیست، توجه اندیشمندان جهان را مضطربانه، به این حقیقت معطوف داشته است که وسایل و ابزارهای کلاسیک موجود توان مقابله، با مجرمین فعلی را که جسورانه از ابتکارات و تبحر خاصی در زمینه بزهکاری برخوردار هستند ندارند. راه و روشها و بطور کلی سیاست جنایی در این راستا محتاج به تغییر و تحول اساسی است. بدیهی است حقوق جزای ماهوی هر کشور هسته اصلی سیاست جنایی دولت حاکم و نمایانگر عدالت اجتماعی واداری آن کشور است. آیین دادرسی کیفری که مشتمل بر قواعد شکلی است نیز جایگاه وسیعی در این سیاست دارد زیرا در عین حال که با قواعد خود معیار رفتار مجرمانه و کیفر یعنی دو رکن اصلی حقوق جزا را بررسی می‌کند، باید به این نقش در حد امکان به کیفیتی ساده و آسان و سریع، به گونه‌ای تحقق

بخشد که به حقوق اساسی افراد یا به اصطلاح روز به اصول حقوق بشر خدشه ای وارد نیاید. آیین دادرسی کیفری بهترین وسیله برای شناخت، ماهیت رژیم سیاسی هر دولت است که توسط آن میزان آزادیها را در سیستم سیاسی یا حقوقی مشخص می نماید. از قول ماریو پآگانو^۱ حقوقدانان قرن هجدهم ایتالیا گفته شده است که «اگر به یک کشور ناشناخته ای وارد شدید و خواستید بدانید در آن کشور آزادیهای مدنی حمایت می شود یا خیر، قانون آیین دادرسی کیفری آنجا را ملاحظه نمایید»^۱.

نقش مهم آیین دادرسی کیفری در اجرای مقررات حقوق جزای ماهوی و در نتیجه تأثیر عمیق آن در استقرار نظم عمومی در جامعه از یک سو و حمایت حقوق اساسی اشخاص در این رابطه از سوی دیگر، نکته دقیق و حساسی است که بخصوص توجه طراحان و قانونگذاران آیین دادرسی کیفری را بخود معطوف ساخته است. اگر بخواهند مقررات این قانون مبتنی بر یک نظام حقوقی درست و پیشرفته باشد، مستلزم این است که قواعد آن را براساس برابری حقوق بزهکار و حقوق بزه دیده استوار سازند. لیکن بدون تردید تلفیق این دو حق در تدوین و تنظیم مقررات آیین دادرسی کیفری سهل و ساده نیست. تخصص و هم چنین تأمل و تفکر کافی شرط موفقیت در ایجاد آن است؛ نادیده گرفتن و بی توجهی به این مهم و سایر اصول محاکمات صدمه غیرقابل جبرانی به حقوق افراد و نظم جامعه و نظام عدالت کیفری وارد خواهد ساخت. متخصصین کیفری ملل در طول تاریخ به اهمیت و حساسیت قانون آیین دادرسی کیفری از میان مجموعه قوانین توجه خاص داشته اند. اعلامیه ها و میثاق های بین المللی و نیز بحث و گفتگوی کنگره ها و انجمن های بین المللی حقوق جزا و جرم شناسی پیوسته به این مهم اختصاص داشته است.^۲

1. Mario Pagano

2. Jean Pradel in Droit Pénal européen Litec 1992. P. 461

۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل مصوب ۱۹۶۶ که در سال ۱۳۵۴ به تصویب قانونگذار ایران رسیده است.

آنچه امروزه در مجامع بین المللی حقوق کیفری مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته و می گیرد این است که با وجود تعیین قواعد مربوط به حقوق بشر و تأکید به رعایت مفاد آن در اعمال و اجرای رسیدگی کیفری در مراجع قضایی مع الوصف عدالت کیفری به لحاظ کندی و سستی، ضعیف و ناتوان است. تسریع در رسیدگی به جرم و صدور تصمیم نهایی و اجرای آن باید در اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قانونگذاران قرار گیرد. «سرعت» در رسیدگی کیفری مسأله بدیع و تازه ای نیست و در طول تاریخ کارشناسان کیفری همواره بر آن تأکید داشته اند. چنانکه به اعتقاد سزار بکاریا حقوقدان ایتالیایی قرن هجدهم آنچه جامعه را در قبال خطر تبه کازان بهتر ضیانت خواهد نمود، وجود قواعدی است که بتواند در کشف سریع و فوری جرم و تعقیب و محکومیت حتمی و مسلم مجرم به مجازات مؤثر واقع شود. معهذا به تعبیر دانشمندان منظور از تسریع در رسیدگی، شتاب و عجله در کار قضاوت نیست. کار قضایی نیاز به دقت و تعمق دارد و اشتباه ناشی از بی توجهی به علت سرعت آثار زیان باری در بر خواهد داشت. از قول منتسکیو، حقوقدان قرن، پانزدهم نوشته اند «هرگز دستگاه عدالت آن قدر در معرض خطر قرار نخواهد گرفت که امر قضایی فوری انجام شود». منظور از تسریع این است که تا حد امکان دادرسی گام سریعی بدون اینکه حقوق اساسی فرد، مثل اصل برائت و حق دفاع او و نظم قضایی صدمه وارد آید برداشته شود. درست است که اگر به افکار عمومی مراجعه شود، خواسته عموم این است که تعقیب و مجازات بزهکار، خصوصاً در جرایم بزرگ، سریعاً انجام شود، اما در کنار این تقاضای عمومی، جامعه خود هر نوع بی عدالتی و عدم رعایت حقوق انسانی را محکوم می نماید. در مقررات آیین دادرسی کیفری بخش مفصلی به ادله اثبات جرم اختصاص یافته است. دلائل در واقع مبنا و

→

معهده اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی که در چهارم نوامبر ۱۹۵۰ به امضا رسیده و بیست و شش کشور به آن ملحق شده اند. پانزدهمین کنگره بین المللی حقوق جزا ۱۹۹۴ (ریودونانیرو)

رکن اساسی صدور حکم محکومیت بزهکار است. ضعف و کمبود یا فقدان آن به متهم فرصت توسل و تمسک به اصل براءت را خواهد داد. پس با این اهمیتی که دلایل در کشف جرم دارند و اینکه تأخیر در تحصیل آن و گذشت زمان موجب تضعیف یا بی اثر شدن آن می شود، سرعت در جمع آوری آنها و انجام دادرسی در یک محدوده زمانی متعارف و معقول برای نظام عدالت کیفری ضرورت دارد. لیکن شتابزدگی در امر قضاوت، اجرای عدالت را مخدوش خواهد ساخت.

گفتار نخست

فواید و ضرورت تسریع در رسیدگی کیفری

در مزایا و ضرورت تسریع دادرسی کیفری میان متخصصین کیفری اختلاف نظر وجود ندارد. به نقل از دکتر لوکاره متخصص مشهور فرانسوی، «با گذشت زمان، حقایق محو خواهد شد». ^۴ دادگاه قانون اساسی ایتالیا نیز در رأی ۱۹۸۲ صراحتاً اظهار نظر نموده است که «در دستگاه عدالت کیفری کندی دادرسی وضعیت بسیار دردناکی است». ^۵ در سطح جهانی نیز میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مجمع عمومی سازمان ملل مقرر داشته است که «... هر کس متهم به ارتکاب جرمی شود... باید بدون تأخیر غیرموجه درباره او قضاوت بشود».

همچنین حسب مفاد کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی «هر شخصی حق دارد دعوی او در یک مدت زمان معقول استماع گردد».

تسریع در رسیدگی به نفع جامعه است، زیرا تعقیب کیفری بزهکار و صدور حکم و اعمال سریع مجازات نسبت به او زمینه ارتکاب جرم را در دیگران از میان می برد و از بیم مجازات سریع دست به ارتکاب جرم

4. Jean Pradel., la célérité de là Procédure pénale en droit comparé in Revue internationale de droit penal ERES 3^e et 4^e trimestres 1995 p 566

5. Mario Pisani, la La célérité dans la Procédure pénale italienne. idem. P565.

نمی‌زنند. در واقع این روش به سودمندی مجازات‌ها از طریق ارباب و عبرت به کیفیتی مؤثر تحقق می‌بخشد. در حالی که تأخیر و اطاله رسیدگی به امر کیفری افکار عمومی را نسبت به دستگاه عدالت بی‌اعتماد می‌کند و خصوصاً در افزایش جرایم نیز بی‌اثر نمی‌باشد. منافع جامعه در این است که بعد از ارتکاب جرم تا قرائن موجود است و تا موضوع شهادت از خاطر گواهان زائل نشده و متهم موفق به تبانی با آنان و شرکاء احتمالی نگردیده است نسبت به تحصیل دلائل و تکمیل تحقیقات سریعاً اقدام شود. تدارک ضرر و زیان ناشی از جرم و حفظ منافع بزه‌دیده نیز با این روش به سهولت تأمین خواهد شد. بعلاوه مصلحت بزه‌کار ایجاب می‌نماید که اگر دلائلی در منافع او وجود داشته باشد به علل مختلف محو و یا مخدوش نگردد، هرچه زودتر سرنوشت اتهام معلوم شود و واز اضطراب و نگرانی‌های یابد و در صورت محکومیت تدابیر و اقدامات اصلاحی و تربیتی زودتر آغاز گردد.

گفتار دوم

تسریع در رسیدگی کیفری در هر سیستمی قابل اعمال است

سیستم‌های فعلی آیین دادرسی کیفری در جهان نشان می‌دهد که تعقیب کیفری به صور مختلف اعمال می‌شود. چنانکه وقتی اقدام در تعقیب به عهده بزه‌دیده گذارده شود به آن «سیستم اتهامی خصوصی» می‌گویند و هر آینه از وظایف تمام مردم باشد «سیستم اتهامی ملی» عنوان دارد و در صورتی که از وظایف قاضی یا مأمورین صلاحیت‌دار مثل پلیس یا دادستان باشد به آن «سیستم اتهامی عمومی» گفته می‌شود.^۶ در اروپای مرکزی دو سیستم آیین دادرسی کیفری وجود دارد. گروهی پیرو سیستم حقوق مدون که منشاء آن رومی-ژرمنی است مثل سیستم کشورهای آلمان-بلژیک، ایتالیا-فرانسه-هلند-پرتغال-سوئیس و غیره و گروه دیگر پیرو سیستم حقوق کامن‌لا یا نظام عرفی هستند مثل کشورهای انگلیس و

6. Jean Pradel in revue internationale de Droit Pénal, ERES 1993, 3^e et 4^e trimestre bis p 1217

ایرلند و تا حدودی از ۱۹۸۹ به بعد ایتالیا. مقررات آیین دادرسی کیفری هر یک از کشورهای ذکر شده بسیار متنوع و مختلف است. امروزه در اکثر نظامهای حقوقی در زمینه آیین دادرسی کیفری غالباً از دو روش پیروی می شود: روش اتهامی که حسب آن بزه دیده اقدام به تعقیب کیفری کرده و علیه متهم اعلام اتهام می نماید و در این صورت هر دو طرف از تساوی حقوق و اختیارات و آزادی در دفاع بهره مند هستند و قاضی در واقع به منزله داور است که براساس دلائل و یقین و وجدان و علم خود همانند رسیدگی در دعاوی حقوقی مبادرت به صدور حکم می نماید. روشی که جامعه توسط نماینده خود، یعنی دادستان یا مقام دیگر، اقدام به تعقیب کیفری خواهد کرد و اعلام اتهام و پیگیری امر تعقیب با این مقام است که از لحاظ موقعیت و امکانات با متهم در یک سطح قرار ندارند و تا حدودی تحت استیلا و قدرت مقام تعقیب کننده می باشد. در روش اولی حمایت از حقوق متهم بر حمایت از حق جامعه برتری دارد، در حالیکه در روش دوم به عکس حفظ مصالح جامعه در اولویت قرار گرفته است. معهداً آنچه در مجموع در هر سیستمی قانونگذاران با آن توجه داشته اند تسریع رسیدگی ضمن رعایت حقوق متداعیین براساس معاهدات و اعلامیه ها و توضیه های بین المللی می باشد.

گفتار سوم

راه و روشهای رسیدگی ویژه و اعمال فوریتها

به منظور تأمین سرعت در رسیدگی به امر کیفری، به لحاظ پیروی از سیستمهای مختلف، روشهای رسیدگی بصور گوناگون در قوانین کشورها پیش بینی شده است که بعضی از مهمترین آن مواردی است که به شرح آتی بیان می شود.

۱. رسیدگی سریع

در جرایم کم اهمیت، یعنی جرایمی که مجازات قانونی آن فی المثل

حبس کوتاه مدت حداکثر تا یکسال پیش بینی شده و موضوع پیچیدگی ندارد، و دلایل آن روشن است، پرونده بدون تشریفات مستقیماً به دادگاه ارسال می‌گردد. در کشورهایی که از سیستم دادرسی استفاده می‌نمایند در صورتی که دادستان فوریت را تشخیص دهد از دادگاه درخواست می‌نماید که برطبق آیین دادرسی سریع رسیدگی کند. در این نوع رسیدگی جلسه دادرسی فوراً تشکیل می‌گردد، کیفرخواست دادستان شفاهی اعلام خواهد شد.^۷ دلایل همان است که در صورت مجلس پلیس گزارش شده و برای تکمیل آن نیز فوریهایی در نظر گرفته‌اند. روش رسیدگی سریع اغلب در رسیدگی به جرایم مشهود اعمال می‌شود.^۸ زیرا در این نوع جرایم دلایل عینی وجود دارد و علی‌رغم قرائن و شواهد در محل ارتکاب و ملاحظات حضوری و انعکاس واقعه در صورت مجالس توسط مأموران، خطر اشتباه قضایی کمتر خواهد بود.

۲. رسیدگی اختصاری

در رسیدگی سریع، هدف مستقیماً سرعت در رسیدگی است. اما رسیدگی اختصاری تأسیسی ضروری برای کاهش تراکم کار دادگستری در نظر گرفته شده است. روش اختصاری بدین گونه است که قاضی کیفری در جرایمی که مجازات عمل جزای نقدی یا حبس کوتاه مدت در قانون پیش بینی شده است، در صورتی که دادستان مقتضی بداند مبادرت به صدور قرار کیفری می‌نماید.^۹ بدین معنی که رسیدگی و صدور حکم بدون جلسه دادرسی و حضور متهم انجام خواهد شد. حکم صادره که به موجب قرار کیفری صادر می‌گردد، در صورت اعتراض محکوم علیه در جلسه

۷. ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۲۹۰ شمسی که در ۱۳۵۲/۱۱/۱۲ اصلاح شده برای اولین بار رسیدگی سریع را تحت شرایطی در امور جنحه با بیان ادعای شفاهی دادستان در دادگاه تصویب نمود.

۸. به منظور سرعت در رسیدگی به جرایم مشهود قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز در مواد ۲۳ و ۲۴ موارد آن را پیش بینی کرده است.

9. Ordonnance Pénale.

حضور و برطبق آیین دادرسی عادی رسیدگی خواهد شد. دادگاه کیفری در عدم پذیرش و رد رسیدگی اختصاری پیشنهادی از سوی دادستان و اقدام به طریقه عادی مختار است. در آمار پرونده های مختومه کیفری بعضی کشورها فی المثل کشور آلمان آمده که سی درصد از پرونده ها خصوصاً در حوزه های قضایی کوچکتر با این روش مختومه شده است.^{۱۰}

۳. مصالحه کیفری^{۱۱}

در دعوی کیفری اصولاً مصالحه و سازش امکان ندارد. یعنی متهم به ارتکاب جرم باید تعقیب کیفری شده و مجازات قانونی درباره او اعمال گردد. مع هذا بطور استثناء قوانین آیین دادرسی کیفری فعلی انواع روشهای مصالحه کیفری را پیش بینی نموده اند. علاوه بر جرایم قابل گذشت که دعوی عمومی به جهات خاصی با انصراف شاکی یا مدعی خصوصی ساقط می شود «توافق و صلح» کیفری با مقامات اجرایی و قضایی نیز در جرایم بالنسبه کم اهمیت بصور گوناگون به هدف تسریع در رسیدگی و مختومه شدن این قبیل پرونده ها در سیستم های مختلف آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده است.

الف. توافق یا مقامات اجرایی و اداری

از جمله مواردی که در این چارچوب بسیار معمول است مصالحه و توافق در خصوص تخلفات مربوط به مقررات راهنمایی و رانندگی و وصول جریمه های ناشی از اینگونه تخلفات است.^{۱۲} مأموران موظف، جزای نقدی تعیین شده در قانون را از متخلف مطالبه، در صورت عدم پرداخت و اعتراض سپس در دادگاه رسیدگی خواهد شد. هم چنین صلح با مقامات اداری مثل اداره گمرکات و جنگلبانی و آب و غیره در برخورد با تخلفات و

10. L'ordonnance pénale in Revue internationale de droit pénal, op cit P 394.

11. Transaction Pénale

12. Amende forfaitaire.

وصول جریمه نقدی است.^{۱۳}

قانون کشور هلند چندسالی است مصالحه کیفری را بین دادستان و متهم پیش بینی کرده است بدین توضیح که دادستان اختیار دارد در جرایمی که مجازات آن حداکثر ۶ سال حبس است به شرط اینکه متهم مبلغی جریمه پرداخت کند از تعقیب او خودداری نماید. این اختیار در سال ۱۹۹۳ نیز به پلیس در جرایم کم اهمیت، مثلاً جرم رانندگی در حال مستی، داده شده است. متخصصین کیفری هلند مدعی هستند در سال ۱۹۹۲ یک سوم از پرونده های وارده به دادسرا با این روش مختومه شده است.

ب. سیستم اقرار مجرمیت^{۱۴}

انگلستان با هدف تسریع در رسیدگی کیفری از سالها قبل روش اقرار مجرمیت را به مرحله اجرا گذارده است. اعمال این روش بستگی به تصمیم متهم دارد، به این توضیح که متهم خود را مجرم بداند یا خیر، در صورتی که متهم اعتراف به جرم نماید، دادستان نیازی به ارائه و اثبات دلیل در دادگاه ندارد و دادگاه نیز از یک مرحله تکمیل تحقیقات خلاصی می یابد و بلافاصله تعیین مجازات خواهد کرد و به لحاظ اقرار متهم به مجرمیت، متقابلاً سی درصد از مجازات قانونی را تخفیف خواهد داد. علاوه بر این روش، سیستم دیگری به عنوان «معامله اتهام»^{۱۵} در این کشور برقرار شده است. روش اخیر عبارت از مذاکرات بین مقام تعقیب کننده و متهم است، با هدف اینکه آن مقام متهم را متقاعد نماید که مجرم خود اعتراف کند. در صورتی که متهم متقاعد شده و اقرار به جرم نماید در مقابل از مسؤولیت کیفری خفیف تر برخوردار خواهد شد. مثلاً سرقت مسلحانه ارتكابی او به سرقت ساده و یا تجاوز ناموسی او به عمل منافی عفت تبدیل می گردد.

13. Amande Administrative

14. Guilty Pleas

15. Pleas Bargaining

ج. سیستم میانجی‌گری کیفری.^{۱۶}

میانجیگری کیفری سیستمی است فرانسوی، در این سیستم دادستان قبل از شروع به اقدامات تعقیبی، با متهم توافق می‌نماید به شرط اینکه تکالیفی را انجام دهد و ضرر و زیان شاکی را نیز پرداخت نماید از تعقیب کیفری او خودداری کند. ماده ۴۱ قانون اصلاح آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۹۹۳ فرانسه مقرر می‌دارد «دادستان قبل از تصمیم در مورد دعوی می‌تواند با توافق طرفین از یک (میانجی‌گیری کیفری) استفاده کند و آن در صورتی است که دادستان تشخیص دهد چنین اقدامی برای ترمیم ضرر و زیان بزه‌دیده و نیز پایان دادن به اختلالی که از جرم حاصل شده و نیز اصلاح و تربیت مرتکب مناسب باشد». قانون اصلاحی فرانسه به دادستان اختیار داده است که در اجرای این ماده کیفیت واقعه را دقیقاً ارزیابی نموده و چنانچه بزه ارتكابی اختلال مهمی به نظم عمومی وارد نساخته و خسارات بزه‌دیده جبران شده است از تعقیب کیفری متهم منصرف شود. در این سیستم، «میانجی» شخص ثالث است نه دادستان. «وظیفه شخص ثالث این است که نقطه نظر دو طرف دعوی را به یکدیگر نزدیک کند وقتی توافق به وجود آمد و اعمال شد آن وقت دادستان تعقیب کیفری را ترک خواهد نمود».^{۱۷}

۴. ترك تعقیب و بایگانی پرونده.^{۱۸}

در سیستم‌هایی که یکی از مراحل رسیدگی به امر کیفری، مرحله دادسراست، دادستان در هر امر کیفری پس از دقت در صلاحیت ذاتی و شخصی و تعیین به اینکه عمل ارتكابی جرم است و مسؤولیت کیفری متهم مسلم است در صورتی که قانون اختیار سنجش در مصلحت تعقیب یا عدم تعقیب را به او تفویض کرده باشد، با ملاحظه درجه اهمیت و شرایط ارتكاب جرم چنانچه از درجه کم اهمیت بوده و ضرر و زیان شاکی ترمیم

16. Médiation Pénale

17. Levasseur- Bouloc, Procédure Pénale, Dalloz, 16 è éd. 1996.

18. Classement sans suite.

شده یا تعهد به جبران آن شده باشد و تشخیص اینکه تعقیب کیفری ضرر و معایب بیشتری برای جامعه و شخص متهم دارد تا ترک آن، فلذا از اصل «مناسب بودن» تعقیب» استفاده کرده با ترک تعقیب، پرونده را بایگانی خواهد کرد.^{۲۰}

در کشور فرانسه طبق آمار در سال ۱۹۹۳ در حوزه های بزرگ قضایی ۸۰ تا حتی ۹۰ درصد پرونده ها با اعمال این روش مختومه شده است.^{۲۱} روش ترک تعقیب در بیشتر کشورها با کمی تفاوت اجرا می شود. کشور آلمان از سال ۱۹۷۴ اعمال آن را در جرایم جنحه ای با الزام متهم به انجام تکالیفی در بسیاری از موارد توسط دادسرا و هم چنین دادگاه پذیرفته است. به گفته متخصصین آن کشور، این روش یکی از اقدامات مهم در سیاست جنایی تلقی می شود.^{۲۲}

روش ترک تعقیب و بایگانی پرونده مستقیماً مانع انباشته شدن پرونده ها در دادگاههای کیفری می شود و بطور غیرمستقیم موجبات سرعت را در اجرای عدالت کیفری فراهم خواهد ساخت.

گفتار چهارم

راه و روشهای غیر مستقیم به منظور تسریع در رسیدگی

۱. عدول از قواعد صلاحیت ذاتی و یا محلی

یکی از قواعد مهم آیین دادرسی کیفری راجع به صلاحیت ذاتی و محلی است. رعایت این قاعده در تمامی طول دادرسی الزامی است زیرا از

19. Opportunité de la Poursuite.

۲۰. برای مطالعه بیشتر در خصوص «اصل قانونی بودن» و اصل «مناسب بودن» تعقیب کیفری و ترک تعقیب و بایگانی پرونده رجوع کنید به مقاله نگارنده در نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی شماره ۲ سال ۱۳۶۵.

21. Casoria-Francis, la célérité du Procés penial en Droit français in Revue internationale du droit pénal 3 et 4 è trimestre 1995, P 548.

22. Hunerfeld- pefer. la célérité dans la procédure Pénale en Allemange trimestre, 1995, P. 398.

قواعد امره محسوب و توافق طرفین دعوی هم نمی تواند لزوم آن را مستثنی نماید. ممهذنا گاهی قانونگذار به دلایل خاصی فی المثل تسریع در رسیدگی و یا پیش گیری از تناقض آراء «عدول از آن را اجازه داده است از جمله اینکه به جرایم متعدد بزهکار در دادگاهی رسیدگی می شود که صلاحیت رسیدگی به بزه مهم تر را دارد و یا شرکا و معاونین در دادگاهی محاکمه می شوند که واجد صلاحیت برای رسیدگی به جرم مباشر اصلی می باشد.^{۳۳}

۲. تفکیک دعوی خصوصی از دعوی عمومی

در بسیاری از قوانین آیین دادرسی کیفری، دادگاهها می توانند یا مکلف هستند علاوه بر دعوی کیفری به دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم نیز که فرع بر آن دعوی محسوب می شود رسیدگی نمایند. لیکن این عدول از قاعده و استثناء در صلاحیت که خصوصاً در منافع مدعی خصوصی است نباید وقفه ای در جریان و سرعت در رسیدگی به دعوی عمومی ایجاد نماید. در غیر این صورت دادگاه کیفری باید بتواند این دو دعوی را تفکیک و دعوی خصوصی را به دادگاه حقوقی ارجاع دهد.^{۳۴}

۳. موارد اناطه

گاهی در دعاوی کیفری، حسب ادعای مشتکی عنه یا اوضاع و احوال واقعه قاضی مواجه با مسأله ای می شود که جنبه مدنی و یا اداری و غیره دارد و حل و فصل قضایای مذکور در مرجع صلاحیت دار قبل از رسیدگی به امر کیفری ضروری است. در این مورد نیز برای اجتناب از تأخیر و اطاله رسیدگی به دعوی کیفری که ناشی از انتظار رسیدگی و تصمیم دادگاه

۳۳. ر.ک. به ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۱۱ و ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸.

۳۴. ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ شمسی ناظر به این مورد و به منظور پیش گیری از هر نوع وقفه احتمالی در کار رسیدگی به امر کیفری بوده که متأسفانه در اصلاحات بعدی نسخ شده است.

مدنی است، بعضی قانونگذاران به قاضی کیفری اجازه داده اند که در صورت مقتضی با عدول از قاعده صلاحیت ذاتی از صدور قرار اناطه منصرف شده و به مسأله مورد نظر نیز رسیدگی نماید.^{۲۵}

۴. محدودیت و تعیین مدت معقول در رسیدگی به امر کیفری

قانونگذاران در اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری راه‌حل و توصیه‌ها و معاهدات بین‌المللی را نادیده نگرفته و با هدف رفع مشکل کندی و رکود کار قضایی در دستگاه عدالت تا حدود امکان از آنها بهره‌می‌گیرند. محدودیت زمانی رسیدگی به امر کیفری و خصوصاً وقتی متهم در بازداشت موقت است پیوسته در مجامع کیفری مطرح و توصیه شده است. معاهده اروپایی حقوق بشر، همانطور، که قبلاً اشاره شد، زمان رسیدگی را به (مدت معقول) مقید نموده اما هرگز مدت آن را نتوانسته تعیین و تصریح نماید. در واقع تعیین مدت مشخص در امر قضایی به طبع و ماهیت امر قضایی بستگی دارد معهدنا دیوان اروپایی حقوق بشر در ۱۹۹۱ مدت رسیدگی کیفری را در دو سال و ۹ ماه نقض مفاد این معاهده دانسته و دولت فرانسه را در این مورد محکوم نموده است.^{۲۶}

۵. جرم‌زدایی تقنینی از پاره‌ای پدیده‌های مجرمانه (جرایم)

تسریع در رسیدگی کیفری تنها با تغییرات و اصلاحات مقررات آیین کیفری و اعمال روشهای خاص کفایت نمی‌کند بلکه قانون جزا نیز در این راستا به طور غیرمستقیم نقش مؤثر و مهمی دارد. گسترش جرم‌انگاری تقنینی انعکاس شدیدی روی تراکم و تنگناهای کار کیفری در دادگستری دارد. امروزه یکی از مسائلی که مانع تسریع در رسیدگی می‌گردد فزونی و

۲۵. ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ شمسی در تعریف موارد اناطه متأسفانه اختیار رسیدگی به مسأله غیرکیفری را به قضات نداده است فقط حسب آراء متعدد دیوان کشور در ادعای مالکیت منقول مرجع کیفری مبادرت به صدور قرار اناطه نکرده و حق رسیدگی به مورد ادعا را دارد.

26. Revue internationale de Droit Pénal, 3è et 4è semestre, 1995, P 581.

انبوهی جرایم در قانون مجازات است (تورم جرایم).

سیاست تورم‌زدایی تقنینی از تعداد جرایم وسیله مؤثری در تسریع رسیدگی نسبت به جرایم مهم است این روش به دو گونه امکان دارد یکی اینکه رفتار مرتکب را از قلمرو مداخله نظام کیفری خارج می‌نمایند کما اینکه انگلستان خودکشی و فرانسه چک بلامحل را با توسل به مکانیزم جرم‌زدایی از عداد جرایم خارج کرده است. دیگر اینکه علی‌رغم جرم‌زدایی از رفتار، معهذاً یک نوع ضمانت اجرای غیرکیفری برای مرتکب در نظر می‌گیرند که اعمال و اجرای آن، بجای قاضی به عهده مقامات اداری و انتظامی می‌باشد و قاضی تنها در مرحله اعتراض به تصمیمات آن مقامات مداخله خواهد نمود.

قضازدایی از رسیدگی به رفتارهای مجرمانه (جرایم) روشی است که با تغییر مسیر تعداد زیادی پرونده‌های کم‌اهمیت از دادگستری به مقامات اداری و انتظامی، قاضی را در مجال رسیدگی به جرائم مهم یاری خواهد کرد. در کشور آلمان، خلافی‌های، کیفری از ۱۹۶۸ به جرائم اداری تبدیل شده‌اند و متخلف توسط مقام اداری جریمه نقدی تعیین شده را باید بپردازد. در کشور هلند نیز همانطور که قبلاً در خصوص صلح با مقامات اداری مثل گمرکات و جنگلبانی و آب و غیره بیان شد. به منظور سبک کردن بار دادگستری به این روش متکی شده‌اند. چنانکه تخلفات رانندگی، دیگر جنبه کیفری ندارند بلکه تخلفات اداری محسوب می‌شوند و جرائم آن توسط پلیس اخذ می‌شود. متخصصین هلند در جهت گسترش این سیستم معتقد هستند که مجازات‌های کیفری را در خیلی از قوانین اقتصادی و مالیاتی به جریمه‌ای اداری تبدیل نمایند.

نتیجه

با مروری مختصر در زمینه راه‌حلهای نظری و عملی تسریع آیین رسیدگی کیفری و توجه به این مسأله مهم که دادگستریهای فعلی فاقد تحرک و جنبش لازم در پیشبرد حل و فصل دعاوی کیفری هستند و به منظور ایجاد تحرک و سرعت معقول و متعارف در رسیدگی، روشهای مختلفی پیشنهاد و اعمال شده که بنظر می‌رسد بعضاً قابل بحث و بررسی باشد. روشهای مورد نظر عمدتاً ناظر به جرایم کم‌اهمیت است زیرا تسریع رسیدگی در جرایم مهم، یعنی جرایمی که مجازاتهای حبس طولانی یا اعدام دارد، به لحاظ اهمیت و پیچیدگی طبع قضایی آنها محتاج به رسیدگی مفصل است بعلاوه این قبیل جرایم از لحاظ تعداد رقم مهمی را نشان نداده و در گردش کار دادگستری در امر کیفری خللی ایجاد نخواهد کرد. بعضی روشها، فی‌المثل سیستم «معامله اتهام» و «اقرار مجرمیت» در انگلستان و نیز سیستم «میانجی‌گری کیفری» در فرانسه و سایر روشهای «توافق با متهم» و یا رسیدگی اختصاری که هریک در مباحث قبلی اشاره شده است تنها در جرایم کم‌اهمیت قابل توجیه است و قطعاً در جرایم بزرگ قابل اعمال نمی‌باشد.^{۳۷}

روش انگلستان در «اقرار مجرمیت» و نیز «معامله اتهام» توسط بعضی دانشمندان انگلیسی مورد انتقاد قرار گرفته است. اینان معتقدند نتیجه اعمال این روش ایجاد نابرابری بین متهمان است زیرا دو متهم که از لحاظ مختصات فردی مساوی هستند و جرایم ارتكابی آنان مشابه می‌باشد، در این صورت به مجازاتهای مختلف محکوم می‌شوند. به علاوه این روش اصل برائت را نیز مخدوش می‌سازد چه آنکه مجازات قانونی متهمی را که اقرار به مجرمیت نموده، تخفیف می‌دهند و اما متهمی که به مجرمیت خود اعتراف نکرده و دولت را ناگزیر به اثبات جرم انتسابی می‌نماید باید مجازات اضافی‌ای را تحمل نماید. و با این ملاحظات امکان دارد بعضی

۳۷. ر.ک. م. خزانی. م.ع اردبیلی. ع نجفی ابرندآبادی پانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا ریودوژانیرو (برزیل)، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی شماره ۱۶-۱۷ سال ۷۵ صفحه ۲۷۶.

متهمان هرچند بی‌گناه باشند خود را مجرم اعلام نمایند. زیرا یک مجازات خفیف ولی مسلم را به یک مجازات احتمالی شدیدتر که ناشی از محکومیت (مجرم نشناختن خود) می‌باشد ترجیح می‌دهند. به هر حال با توجه به اینکه روش معامله اتهام و یا توافق با متهم و از این قبیل روشها که کم‌وبیش در بعضی کشورها عمل می‌شود با اهداف حقوق جزا خصوصاً اثر سودمندی مجازاتها (ارعاب و عبرت و اصلاح و تربیت مجرمین) چندان قابل توجه و سازگار نمی‌باشد. و به فرض اینکه، این نوع تدابیر در تسریع آیین رسیدگی مؤثر و مفید باشد اعمال آن باید محدود به جرائم کم اهمیت باشد و ایجاد تحرک در رسیدگی به جرائم به تدابیر مستقیم و خاص واگذار شود. اگر قانونگذاران، در صورت امکان از توسل زائد به مکانیزم جرم‌سازی خصوصاً در رفتارهای کم‌اهمیت بکاهند و هم‌چنین در اصلاحیه‌های مقررات کیفری به جرم‌زدایی این قبیل رفتارها از حیطه جرائم بیاندیشند و از سیستم‌هایی نظیر ترک تعقیب و بایگانی پرونده با استفاده از اختیار سنجش در «مناسب بودن تعقیب کیفری» پیروی نمایند به طور یقین مستقیم یا غیرمستقیم در تسریع آیین دادرسی کیفری بی‌تأثیر نخواهد بود.